

از جمله رایج ترین شرایطی که منجر به دروغگویی کودک می شود، عبارتند از:

۱- گاهی کودکان برای جلب توجه دیگران دروغ می گویند. اگر کودک احساس کند که از این طریق می تواند نظر اطرافیان را به خود جلب کند، ممکن است مرتباً دروغ بگوید. به بیانی دیگر، زمانی که کودک نتواند با استفاده از روش های خوشایند و پسندیده، نظر سایرین را به خودش جلب کند، به دروغگویی و ریاکاری متوسل میشود.

۲- گاهی کودکان برای این که خودشان را بهتر نشان دهند، دروغ می گویند. در این گونه شرایط، عاملی که باعث دروغگویی بچه ها می شود، فقدان اعتماد به نفس به آنان است. در حالی که کودکانی که دارای حس ارزشمندی و اعتماد به نفس بالایی هستند، هیچ گاه برای بهتر نشان دادن خودشان، نیازی به دروغ گفتن حس نمی کنند.

۳- گاهی کودکان زمانی که احساس کنند دچار مشکل شده اند، شروع به دروغگویی می کنند. در چنین مواردی، باید از ابتدا به کودک اهمیت راستگویی، صداقت و درستی را یاد داد. از طریق پی بردن به این گونه ارزشهای خانوادگی-اجتماعی است که کودک حتی اگر در شرایط بحرانی و دشوار نیز قرار گیرد، دروغ نخواهد گفت.

۴- گاهی کودکان از ترس این که واقعیت را به والدین شان بگویند، شروع به دروغگویی می کنند. آنها تصور می کنند که چون نتوانسته اند خواسته ها و انتظارات پدر و مادرشان را بر آورده سازند، لذا برای ناامید نکردن، عصبانی نکردن و نا سزا نشینیدن از آنها، دروغگویی را تنها راه حل موجود می پندارد.

۵- دروغگویی ویژگی و صفتی است که بچه ها به راحتی از والدین خود یاد می گیرند. با کمال تعجب مشاهده می کنیم، پدری ممکن است از فرزندش بخواهد که در پاسخ به مراجعی که جلوی در منزل

دروغگویی و راستگویی از جمله رفتارهایی هستند که کودک باید در جمع خانه و خانواده بیاموزد. اغلب والدین، زمانی که متوجه می شوند، کودک و یا نو جوان شان دروغ می گوید، شدیداً متأثر و معترض می شوند. کودکان خردسال (زیر سه سال) به دلیل این که هنوز قادر به تشخیص تفاوت واقعیت از خیال نیستند، نمی توانند بین راست و دروغ تفاوت گذارند. آنها از شنیدن داستانهای تخیلی واقعاً لذت می برند و دوست دارند خودشان نیز با قوه تفکر و تجسم شان ماجراها و قصه های جالبی بسازند. در واقع این کودکان هنوز نیازمند گسترش و توسعه دنیای خیالی خود هستند تا بتوانند قدرت خلاقیت و ابتکار شان را پرورش دهند. اما نکته ای که والدین و مربیان هنگام خواندن و تعریف این گونه داستانها برای کودک باید مد نظر داشته باشند، آن است که با نهایت آرامش و بدون این که عکس العمل منفی ای از خودشان دهند، ذهن کودک را به سوی واقعیت ها سوق دهند و به او بیاموزند که این گونه داستانها حاصل تفکر و اندیشه نویسنده است و با آنچه در اطراف آنان می گذرد، تفاوت دارد. معمولاً دروغ پردازی های خیالی کودکان از سنین ۴-۵ سالگی به بعد کاهش مییابد و کم قدرت تشخیص واقعیت از خیال را پیدا می کنند. اما اگر بعد از ۶-۵ سالگی نیز سعی کنند با رویا سازی های ذهنی خود حقیقت را نادیده بگیرند، والدین باید در صدد رفع علت این امر باشند. برای مثال، اگر کودک ۶ ساله ای مدام از دوست خیالی خود صحبت می کند، پدر و مادر باید سعی کنند فرزندشان را با کودکان دیگر هم بازی کنند تا او نیازی به خیال پردازی های واهی نداشته باشد. معمولاً کودکان از سنین ۷-۶ سالگی به بعد، تنها زمانی که دچار اضطراب، تشویش و نگرانی شدید شوند، دروغ می گویند.

مدیریت اداره آموزش و پرورش شهرستان سبزوار

مجتمع مشاوره و خدمات روانشناختی سبزوار

سلسه برورشورهای آموزشی ویژه اولیاء

برشور شماره : ۴

دروغگویی در کودکان

دی ماه ۹۵ - ۹۴

ویا پشت خط تلفن منتظر است که با او صحبت کند، بگوید که (به او بگو پدرم نیست) و یا شاید مادر از فرزندش بخواهد اتفاقی که در منزل افتاده است را به پدر نکوید و... به این ترتیب کودک با دروغ و عدم صداقت آشنا می شود.

مواردی که دروغگویی دلالت بر مشکلات عاطفی و احساسی کودکان دارد:

۱- کودکان ۴-۵ ساله اغلب خیال بافی و رویا پردازی را دوست دارند و شروع به داستان پردازی می کنند. این گروه از کودکان معمولاً قادر نیستند بین حقیقت و دنیای ذهنی شأن تفاوت گذارند.

۲- کودکان ۱۱-۱۰ ساله ویا نوجوانان گاهی دروغ می گویند تا بتوانند به منفعتی دست یابند. مثل فرار از زیر مسئولیت ویا نپذیرفتن اشتباه و کوتاهی خود در این گونه موارد، والدین باید با تذکر مناسب و به جای خود، آنها را نسبت به پیامدهای رفتاری شان آگاه سازند و ارزش راستگویی، صداقت و اعتماد را به آنها بیاموزند.

۳- گروهی از نوجوانان ۱۶-۱۲ ساله کشف کرده اند که گاهی دروغگویی آنها می تواند موجب محبوبیت آنان بین اطرافیان شان شود. برای مثال، چون نمی خواهند از سوی دوستان و همکلاسی های شان طرد شوند، شروع به دروغگویی و خیال پردازی های واهی می کنند. گروهی دیگر از نوجوانان با دروغگویی خود درصدد حفظ حریم خصوصی خود هستند و می خواهند از این طریق استقلال خود را از والدین شان نشان دهند. برای مثال، منکر تسلط پدر و مادرشان بر تصمیم گیری هایشان می شوند.

مواردی که دروغگویی دلالت بر مشکلات عاطفی و احساسی کودکان دارد:

۱- گروهی از کودکانی که تفاوت بین راستگویی و دروغگویی را می دانند، گاه داستان و ماجرای غیر واقعی را چنان شرح می دهند که برای شنونده کاملاً قابل قبول و باور کردنی است. این گروه، غالباً

اعتماد به نفس پایینی دارند و از این طریق درصدد کسب جایگاهی در بین سایرین هستند.

۲- گروهی از کودکان و نوجوانان نیز چنان در دام تکرار دروغگویی هایشان می افتند که رهایی از دست آنها برایشان دشوار و غیر ممکن می شود. آنها اغلب فکر می کنند که دروغ گفتن آسان ترین راه برای روبه رو شدن با والدین، اعضای خانواده، آموزگاران و دوستانشان است. این گروه از بچه ها، اغلب دروغگویی را کاری زشت و ناپسند نمی دانند و از این که دیگران آنها را دروغگویانی بزرگ بشناسند، ناراحت نمی شوند.

۳- گروهی از نوجوانان نیز با دروغگویی های مکرر خود سعی می کنند حقایق را مخفی نگه دارند. برای مثال، نوجوانی که شدیداً به مواد مخدر معتاد است، ممکن است در مقابل پرسش های دیگران که (از کجا پول آوردهای؟ مواد از کجا تهیه می کنی؟... با چه کسانی دوست هستی؟ و...) دروغ بگویند.

مواردی که اشتباهات والدین منجر به دروغگویی کودکان میشود:

۱- سعی کنید هرگز دروغ نگویند. متأسفانه بعضی از دروغ های جزیی والدین الگوی بدی برای فرزندان است، زیرا آنان یاد میگیرند که گاهی می توانند از گفتن حقیقت طفره روند.

۲- چنانچه فرزندان کار اشتباهی انجام داد و شما متوجه خطای او شدید، با پرسشهای موشکافانه و مکرر خود، او را تحت فشار قرار ندهید. در چنین شرایطی که مطمئن هستید او کار خطایی انجام داده است، اشتباه عملش را به او گوشزد نمایید و او را راهنمایی کنید تا دوباره مرتکب آن اشتباه نشود.

۳- مراقب رفتارهای خود هنگام پرسش و بازخواست از کودک باشید. اگر چهره های عصبانی و خشمناک داشته باشید، ممکن است او از ترس پیامدهای ناخوشایند رفتار شما، مجبور به دروغگویی

شود. در حالی که می توانید با چهره صمیمی و ملایم خود، او را به راستگویی تشویق کنید.

۴- هیچ گاه خطاهای معمولی فرزندان را با خشم و عصبانیت شدید جواب ندهید و زمانی که او به اشتباه خود پی برده است، سعی نکنید با شرمندگی کردن بیش از اندازه او رعب و وحشت بی مورد در دل کودک ایجاد کنید، زیرا او تصور خواهد کرد که اشتباهات روزانه او موجب برانگیختن شما خواهد شد و از ترس این که مبادا در آینده شما را ناراحت کند، ترجیح دهد، دروغ بگوید.

۵- درباره ارزش صداقت، درستی و راستی با فرزندان صحبت کنید. به او یاد بدهید که حرف دروغ خریداری ندارد و پس از مدتی که دوستانش به دروغگویی های مکرر او پی ببرند، اعتمادشان نسبت به او سلب خواهد شد و دیگر گفته های او را باور نخواهند کرد. علاوه بر آن، کسب مجدد اعتماد آنها نیز کاری مشکل و سخت است.

۶- هرگز فرزندان را دروغگو خطاب نکنید، زیرا او این صفت و بر چسب را به خود خواهد گرفت و پس از مدتی با درونی ساختن این ویژگی تبدیل به یک دروغگو خواهد شد. در عوض همیشه این اطمینان و اعتماد را به او بدهید که می تواند تمام صحبت ها و نظراتش را به راحتی با شما در میان گذارد.

۷- دقت کنید ببینید فرزندان در چه مواردی دروغ میگویند. شاید با شناخت بهتر فرزندان بتوانید مشکل او را حل کنید و مانع از شدت رفتار او شوید.

۸- احترام به حریم خصوصی کودک و یا نوجوان گاهی می تواند مانع از دروغگویی آنان شود. والدین باید در عین آن که مراقب رفتار و اعمال فرزندشان هستند، اعتماد و صمیمیت آنها را نیز به خود جلب کنند.